

به یورش رژیم به معیشت کارگران باید خاتمه داد!

حسین مرادیگی (حمه سور)

پیش میبرد. تجسم شرایطی که در آن انسانی آنهم معمولاً با چند تا بچه قد و نیم قد در نظامی که در آن آدمها را به رقابت وحشیانه علیه هم واداشته اند نه یک ماه و نه چند ماه بلکه حتی دو هفته نیز بدون دریافت حقوق روزانه خود دوام بیاورد عجیب است و در اینصورت این انسانها چطور زندگی میکنند و چگونه روز و شب خود را میگذرانند، لرزه بر اندام هر انسان شریفی میاندازد. گرسنگی کشیدن تازه بخشی از این فاجعه است، بخش دیگر آن اعتیاد و خودکشی و تن فروشی و رواج قتل و جنایت و زندگی در کنار خیابانها و در کارتونهای خواب است. این آن شرایط وحشتناکی است که حکومت یک عده اوباش اسلامی بر طبقه کارگر و بخشهای دیگری از جامعه ایران تحمیل کرده

زندگی کارگران افزوده است. جمهوری اسلامی همچنین از این وضعیت برای تحمیل شرایط برده وار استخدام موقت بر بخش شاغل طبقه کارگر نیز استفاده میکند، برای اینکه هر وقت دلش خواست دست کارگر شاغل را بگیرد و از کار بیکارش کند و هیچ نوع بیمه و مزایای کاری نیز شامل چنین کارگری نشود. بحث در مورد عدم حقوق و مزایای کاری بر سر عدم دریافت یک روز دستمزد یا عدم دریافت دستمزد کارگر در یکی دو هفته نیست، بحث بر سر عدم دریافت حقوق و مزایای کاری یک ماه و چندین ماه و حتی یکسال و بیشتر از آن است! جمهوری اسلامی در واقع کمر به نابودی فیزیکی نسلهایی از طبقه کارگر ایران گرفته است و با استفاده از زور سر نیزه و اخراج و بیکارسازی و مصائب هولناک ناشی از آن دارد عملاً آن را به



alan2157@yahoo.com

یورش جمهوری اسلامی به معیشت روزانه کارگر و خانواده کارگری همچنان ادامه دارد. شمشیر اخراج و بیکارسازی سرمایه اسلامی همچنان بر بالای سر طبقه کارگر ایران میچرخد و هر روز تعداد بیشتری از کارگران را از کار بیکار و بدون پرداخت حقوق و مزایای کاری و بدون دریافت بیمه و تامین زندگی روزانه در دامن فقر و فلاکتی که خود به جامعه تحمیل کرده است، رها میکند. هم اکنون هزاران کارگر بعضی ها بیشتر از یکسال است حقوق و مزایای کاری خود را دریافت نکرده اند، ریزش برف و سرمای شدید امسال نیز در بعضی مناطق بر وخامت شرایط

کمونیست ۲۵

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۳۰ بهمن ۱۳۸۳ - ۱۸ فوریه ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

سرمدیر: اعظم کم گویان



mehnousch@aol.com

۸ مارس روز برپایی پرچم آزادی و برابری

گفتگو با مهنوش موسوی

کمونیست: ۸ مارس در ایران بسیار فراتر از گرامیداشت روز جهانی زن است. چه چیزی به این روز برجستگی داده؟ اهمیت برگزاری روز جهانی زن در ایران از چه ناشی می شود؟

مهنوش موسوی: اهمیت ۸ مارس در ایران این است که مفهوم واقعی این روز، در کاراکنتر اصلیش نمایش داده میشود. در کمتر کشوری هست که ۸ مارس، یک سنگر مقابله با تبعیض و خشونت نظام حاکم آن باشد. یک جدال و رودررویی رادیکال و سیاسی باشد. در ایران، بویژه در شرایط اخیر برپایی این روز مهم است. در این روز ما همپای میلیونها زن در سراسر جهان به ستم کشی و خشونت علیه زن اعتراض میکنیم. علاوه بر این در شرایط بسیار پیچیده سیاسی داریم این کار را میکنیم. ببینید همین الان یک عده ای به خاطر شرکت خرنده شان در مضحکه انتخاباتی رژیم دارند سعی میکنند سر تبلیغات و سر و صدا در

جامعه روی مسئله زن را به سمت رای جمع کردن برای معین و آوردن پای صندوقهای رای بچرخانند. یک عده ای همین که رفراندومشان از نفس افتاد، خودشان هم وا دادند و از نفس افتادند. اینها دیگر حتی دور ریاکاری و کسب مشروعیت کردن از طریق شرکت در ۸ مارس را هم خط کشیده اند. یک تعدادی دیگر که اصولاً در برو بیای دوم خرداد یک سقفی روی سر خودشان درست کرده بودند، الان گیر کرده اند. ۸ مارس امسال تماماً روز خود زنانی است که به ستم و خشونت اعتراض دارند. نه دنبال خانم رایس هستند، نه دنبال آقای معین! نه دنبال رفراندوم هستند، نه دنبال جنگ! ۸ مارس را امسال ما باید برگزار کنیم. در پس زدن و ابراز وجود مستقل خواستها و مطالبات ما مهم است. در کل فضای سیاسی ایران هم تاثیر گذار است. اهمیت برگزاری این روز به اعتقاد من در بلند کردن پرچم یک جنبش و

شماره ویژه کمونیست منتشر میشود

رفراندم، جنگ و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران

بیانیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

در باره سرنگونی جمهوری اسلامی و تضمین حق مردم در تعیین نظام آینده حکومتی ایران

و

منشور سرنگونی جمهوری اسلامی

قرارهای جدید مصوب دفتر سیاسی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

یک قطب سوم در جامعه، یک جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی است. کمونیست: در ایران جریانات مختلفی دست اندرکار برگزاری ۸ مارس هستند، وجوه اشتراک و تمایز این جریانات چیست؟ مهرنوش موسوی: الان دیگر به نظر من کسانی که مترصد برپایی ۸ مارس هستند، کسانی هستند که همانطور که گفتیم حب فراندوم را قورت ندادند. یا حداقل در این کمپین مدام تلاش نکردند به مردم بگویند اعتراض بی فایده است. چون تصور کنید، اگر کسی در این مدت به بهانه اعتراض از "خسونت" تلاش کرده باشد، روحیه شکست طلبانه خودش رابه مردم بیندازد، وقتی میبیند نگرفته است، چگونه میتواند به این سرعت دست به زانو گرفته بلند شود؟ اینها شکست دوم خرداد هم برایشان سنگین بود. خیلپه‌ایشان کلا از این صحنه بیرون خواهند رفت. به نظر من ما مدتهاست با یک پلاریزاسیون سیاسی و اجتماعی مواجه هستیم. بقایای این جریانات در حال بازار گرمی برای انتخابات هستند. جالب است و خنده دار. اینها در حالی که ادعای "استفاده از این فضا برای تبلیغ خواستهای زنان" را دارند، خود برپایی ۸ مارس را که مهمترین خواست زنان و جامعه ایران هست با یک سکوت برنامه ریزی شده دارند از سر میگذرانند. جنبش برابری طلبی که متشکل از جریانات مختلف مترقی، آزادیخواه و برابری طلب است امسال باید ۸ مارس را برپا کند. در خود این جنبش به اعتقاد من مهمترین نقطه

ضعف این هست که درجه نفوذ خواستها و مطالبات ما و مقبولیت آن، بر شکل و اقتدار تشکیلاتی ما پیشی گرفته است که این خودش معلول ضرباتی است که در این ۲ ساله خوردیم. در تهران همچنان که شاهدید ما همیشه گفتیم که هنوز رضایت نداریم. دیرکرد کمپین تبلیغاتی در باره ۸ مارس، مهر کمبدهای ما را بر خودش دارد. در کردستان به اعتقاد من، علاوه بر جنبش برابری طلبی، ناسیونالیستها فمینیستها تقلاهای محدودی خواهند کرد. جمهوری اسلامی از خیلی وقت پیش تلاش میکند این شکاف را به نفع ناسیونالیستها و قوم پرستان تعمیق کند. در کردستان باید در یک مقیاس اجتماعی و بزرگ و وسیع به حفظ و ارتقا این سکو فکر کرد. برگزاری ۸ مارس در کردستان مکان مهمی در پیشروی کل جنبش برابری طلبی دارد. در عراق ما برگزاری ۸ مارس را از نقطه نظر مکانی که سرنوشت این جنبش و تأثیرش بر کل جنبش سکولاریستی و آزادیخواهی دارد مهم میدانیم. امیدواریم موفق شویم در عراق، حول منشور قانون اساسی خود، نیروهای اجتماعی مثبت و سفید جامعه عراق را جمع کنیم. کمونیست: چگونه می توان جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه زنان را در ۸ مارس به میدان آورد؟ این کار چه ملزومات و پیش شرط هایی دارد؟ مهرنوش موسوی: به نظر من دیوار چین موقعیت جنبش برابری طلبی را از کل موقعیتی که چپ جامعه در آن قرار دارد جدا نمیکند. چپ الان دچار بحران رهبری است. این بحران مستقیماً روی روانشناسی حرکت مردم

تأثیر گذاشته، خود جنبش برابری طلبی را هم در موقعیت نامناسبتری به نسبت ۳ سال پیش قرار میدهد. این یک واقعیتی هست که در دهه های گذشته هم شاهدش بودیم. جنبش برابری طلبی در اروپای غربی و حتی خاورمیانه در اوج پیروزی طبقه کارگر روسیه، کاملاً از موقعیت سیاسی دیگری برخوردار شد و در یک رشته از کشورهای اروپایی قوانین را زبرو رو کرد. جنبش ما ضربه خورده است و دامنه تشعشعات آن جنبش برابری طلبی را هم فرا گرفته است. منظور من سنجش موقعیت این جنبش در یک آکسیون معین نیست. ۸ مارس یک آیین است و ما از هم الان در آینه آثار جراحات وارده به جنبش خودمان را در طی این مدت می بینیم. به نظر من ما یک زمانی در جنبش برابری طلبی به اینجا رسیدیم که مردم و جنبش در باره رهبران خود تصمیم بگیرند و در مرحله انتخاب وارد شوند. در میانه راه این انتخاب، ضربه عظیمی به این جنبش خورد. تمسید و ترمیم اعتماد مردم و جنبش کمونیسم کارگری که من جنبش برابری طلبی را هم جزو آن میبینم یکی از مقدمات کار ماست که کار میبرد. از طرف دیگر جنبش ما هنوز دارای آن مکانیسمهای علنی ابراز وجود خودش نیست. رژیم الان لخت و عریان در مقابل مردم قرار گرفته، مردم هم مستقیماً و بدو حائل در مقابل او. اینجا معلوم است که تجمعات و ابراز وجود سیاسی و علنی مردم سؤالات بیشماری را در مقابل خود قرار میدهد. در ایران ما تشکلهای علنی و قانونی که بتواند هم سرش به حکومت وصل نباشد، هم مردم گریز نباشد، منفعت مردم را نمایندگی کند، یا نداریم، یا در سطح خیلی محدودی داریم. ۸ مارس پارسال پارک لاله از این جهت خصلت نما بود. تشکلی که مجوز گرفته بود التماس میکرد که به خاطر لغو مجوزش مردم برگردند بروند خانه هایشان و شعار ندهند، مردم هم تجمع خودشان را ادامه دادند. آخر سر هم مرکز فرهنگی زنان ترجیح داد به جای حمله به نیروهای انتظامی که مردم را ضرب و شتم کرده بودند، به جوانان حمله و آنها را تحقیر کند. یک شهرهایی هست که توازن قوا به نفع مردم است. زور مردم میچرد، مراسمها را برگزار میکنند. یک جاهایی هنوز توازن قوا را باید به نفع مردم تغییر داد. پیش شرط این به نظر من اتخاذ دو روش است. یکی تامین رهبری سراسری، یکی تامین رهبری محلی از طریق علنی و با اتکا به تشکلهای و محملهای توده ای. همه اینها هم در گرو احیای اعتماد، کسب مشروعیت رهبری، اعتماد سیاسی به افق این رهبری است. البته بخش اعظم این بحث را ما باید از نزدیک با فعالین بکنیم. به نظر من برگزاری ۸ مارس امسال به لحاظ جغرافیایی در آن شهرهایی که پارسال برگزار شدند، بویژه در تهران و سنندج و شهرهای کردستان مهم است. ما باید از همین امکانات و شرایطی که فی الحال داریم بیشترین استفاده را برای ابراز وجود سیاسی ۸ مارس بکنیم، در دل این تقابلات سیاسی هم تشکلهای توده ایی خود جنبش را بسازیم. کمونیست: شما چه فراخوان و رهنمودی به فعالین و دست اندرکاران برگزاری ۸ مارس در ایران

و خارج کشور دارید؟ مهرنوش موسوی: راستش هم من و هم دست اندر کاران برگزاری ۸ مارس در داخل و هم خارج کشور خود جزو شبکه و تصویر رهبری این جنبش هستیم. اگر حرفی داشته باشیم اول این است که صورت مسئله های کلان را جویان بگذارید و بیابید همگی با هم فکر کنیم، جدل فکری و سیاسی بکنیم تا تصویر پیروزی و پیشروی جنبش را تکمیلتر کنیم. پیروزی محلی ما، حتماً یک پیروزی مهم است ولی حتی ضامن حفظ همین پیروزیهای محلی، هم تامین رهبری سراسری است. باید به هر وسیله ای تلاش کنیم، شهرهایی که ۸ مارس تصرف کرده، حتماً فقط دست ما باشد، بلکه به جغرافیای آن اضافه هم بکنیم. این کار با شعار و باد در گلو انداختن که خوشبختانه بیماری جریان ما یکی نیست، نمیشود. باید بنشینیم نقشه ۸ مارس را در ایران جلو دستمان بگذاریم و ببینیم برای رفع موانع باید فوراً و همچنین درازمدت چه بکنیم. خوبی ۸ مارس این است که میزان الحراره جنبش است و البته آیین ضعفاً و نقاط قدرتش. تانیا میخوام در داخل و خارج کشور روی همکاری و ذوب شدن فعالیت و دغدغه های ما با جنبش در عراق تأکید کنم. ببینید به قول کورش مدرسی، در عراق هر

جنبشی طرف خودش را پیدا کرده است. طرف از ابرقو طرفدار اسلام سیاسی است، آمده در بغداد و کرکوک این جنبش را تقویت کند. آنوقت جنبشی که کلاز تکین از آلمان به فرانسه و از

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!

بقیه از صفحه ۱

اند و مدام شرایط آن را باز تولید میکنند، آنهم در کشور ثروتمندی مانند ایران. این را با

زندگی آخوندهای جنایتکار و ایادی آنان، با مخارج سرسام آوری که صرف دستگاه سرکوب حکومت اسلامی میشود و یا در راه تروریسم اسلام سیاسی و بخون کشیدن انسانهای بیگناه و بی دفاع در سراسر جهان میشود مقایسه کنید تا به عمق ضد کارگری بودن و عمق ضد بشری بودن حکومت اسلامی پی ببرید.

اعتراضات و اعتصابات کارگری علیه این وضعیت، علیه اخراج و بیکارسازیها و عدم پرداخت حقوق و مزایای کاری بطور وسیعی ادامه دارد، کارگران واقعا در شرایط بسیار سختی به بیکار خود علیه جمهوری اسلامی و کارفرمایان ادامه میدهند. روزی نیست خبر از اعتراض و تجمع کارگری در این یا آن نقطه ایران به بیرون درز نکند. طبقه کارگر در ایران اما تنها با اوباش اسلامی سرمایه و کارفرمای معمولاً "آفازده" و ایادی جمهوری اسلامی طرف نیست، همزمان با ارگانهای جمهوری اسلامی در میان خود کارگران، با خانه کارگرها و شوراهای اسلامی کار نیز طرف است. طبقه کارگر ایران این

وضعیت غیر انسانی را از توحش اسلامی سرمایه دارد، حالا شورای اسلامی کاری نیز برای تثبیت این وضعیت بر کرده کارگر ایجاد شده است و با مسئولین خانه کارگر و جمهوری اسلامی و کارفرما علیه کارگران دست به یکی کرده اند. خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار ابزار تحمیل این شرایط برده وار به طبقه کارگرند چه در کارخانه ها و مراکز کار و چه به هنگام اعتصاب و اعتراض کارگر. اینها از شرایط وحشتناکی که طبقه کارگر در آن قرار دارد و همچنین از بی حقوقی طبقه کارگر تحت حکومت اسلامی سرمایه در ایجاد تشکلهای خود، خود را به کارگران تحمیل کرده اند. میگویند جمهوری اسلامی عقب افتاده ترین نظام دستمزد جهان را دارد اما خود در راستهای منافع این نظام ضد کارگر با جمهوری اسلامی در تحمیل این بدترین شرایط به کارگران، همیاری و همکاری میکنند. در نقش میانجی دولت و کارفرما کارگر را از اعتراض و اعتصاب به وضعیت غیر انسانی ای که به کارگر و خانواده کارگر تحمیل کرده اند، باز میدارند. کارگر را با وعده فلان مامور جمهوری اسلامی و فلان کارفرما سرمیداونند و سرانجام کارگر را خسته و کوفته و نا امید که بقول خودشان

مجبور است به این شرایط تن در دهد، روانه خانه خشک و خالی خود میکنند و بابت این کار نیز جیره و مواجب خود را از کارفرما و دولت اسلامی دریافت میکنند. یک شرط آزاد شدن نیروی کارگران در پیشبرد مبارزه و اعتراض روزانه خود بیرون آمدن کارگران از چنبره خانه کارگرها و شورای اسلامی کار است. کارگران بعضی دلخوش کردن به میانجیگری این ارگانهای خودی جمهوری اسلامی که همیشه بضرر کارگران و به نفع جمهوری اسلامی و کارفرما قضیه را تمام میکنند، میرند سراغ نیرو و تجمع و تناسب قوای واقعی خود که در هر مبارزه و برای هر مطالبه و خواست معینی لازم دارند. خارج شدن کارگران از چنبره خانه کارگرها و شوراهای اسلامی کار، بدین معنی است که کارگران بروند سراغ مجامع عمومی خود، بروند سراغ زدن تشکلهای خود، بروند سراغ وحدت و هماهنگی هرچه بیشتر با دیگر کارگران کارخانه ها و مراکز کار. هم اکنون کارگران به وحدت و همبستگی وسیعی برای مقابله با این شرایط بغایت وحشتناک و غیر انسانی که حکومت اسلامی سرمایه بر طبقه کارگر ایران تحمیل کرده است، احتیاج دارند، مبارزه برای دریافت حقوقهای معوقه و

دیگر مزایای کاری، مبارزه برای گرفتن بیمه بیکاری برای کارگر بیکار، خواه کارخانه و مرکز کار از طرف کارفرما و جمهوری اسلامی بسته شود یا نشود. جمهوری اسلامی در صورت بستن و تعطیل کردن هر کارخانه و هر مرکز کاری موظف است که به کارگر آماده بکار بیمه بیکاری مکفی بپردازد. کارگران باید بمحض تعطیل شدن هر کارخانه و هر مرکز کاری بروند یخه ماموران جمهوری اسلامی را بگیرند و از آنان خواهان بیمه بیکاری مکفی شوند. هم اکنون مبارزه برای لغو قراردادهای موقتی کار که کمر بخش شاغل طبقه کارگر را شکسته است، وجه دیگری از مبارزه طبقه کارگر علیه دولت و کارفرماست. برای پیشبرد این مبارزات کارگران به اتحاد کارگر شاغل و بیکار، به اتحاد کارگر موقتی و دائمی برای مبارزه با فقر و فلاکتی که حکومت اسلامی سرمایه به طبقه کارگر تحمیل کرده است. شیدیدا احتیاج دارند. پیشبرد همه اینها بخشا به بیرون آمدن کارگران از چنبره خانه کارگرها و شوراهای اسلامی کار گره خورده است. کارگران و رهبران کارگری همگام با این باید بروند سراغ مجامع عمومی خود، باید بروند دست خود را در دست دیگر رهبران و فعالین کارگری بگذارند،



امسال باید یک تلاش هرکولی را برای حفظ و تثبیت سکوی ۸ مارس بکنیم. به ما تکیه کنید.

باید برویم ۸ مارس را برگزار کنیم. وقت تنگ است. تعجیل باید کرد.

تهدید نظامی آمریکا از کمیته ۱۶ نفره تدارک ۸ مارس که خودشان هم به اتفاق بقیه نمایندگان سازمانهای زنان عضوش هستند، رای اعتمادی بگیرند. یک نمونه عالی است. در فرانسه و سوئد هم مراسمهایی داریم. فراخوان من این است که

رهبران مسلط، اجتماعی و بسیار هم جهت با ما مثل همه یاران در این سازمان هستند خیلی کار ما راحت است. همین الان در نروژ دوستان ما و آزادی زن عراق موفق شدند در باره اصلیتین شعار تظاهرات بزرگ اسلو، یعنی علیه اسلام سیاسی و اشغال و

سازمانیافته دنبال این موضوع باشیم. این تاکیادات را برای سازماندهی مشترک کارهایمان در خارج کشور میکنیم. خوشبختانه با حضور نادیه محمود و هوزان محمود در راس تشکیلات خارج سازمان آزادی زن عراق که ۲ نفر از

فرانسه به شوروی میرفت تا پیامش را برساند و کوشش کند، هنوز در طرفیت کامل خود به این مسئله نپرداخته است. خوشبختانه در نشست اخیرم با ینار محمد قرار شد کاملا از این پس

به سازمان جوانان کمونست - حکمتیست به پیوندید!

چند قرار مصوب دفتر سیاسی حزب کمونیت کارگری - حکمتیست

قرارهای زیر که با دو سند متمم اصول سازمانی حزب و متمم طرح آرایش هبری حزب، به تصویب دفتر سیاسی رسیده اند، مبنای بدیهی و روشنی از سنت حزبی ما را فرموله و تاکید میکنند. نیاز به این تاکید از آنجا برجسته شد که دیدیم چگونه رهبری حزب کمونیت کارگری ایران در دوره اختلافات، خود را از تعهد به این پرنسیپ ها بی نیاز میدید. اگر چرخش چپ سنتی به عملکرد فرقه ای، مستلزم اهمال چنین پرنسیپ هایی بود، برای حزب سیاسی کمونیستی کارگری، تبدلشان به نرمهای مدون و تثبیت شان در پراتیک سازمانی ضرورتی حیاتی است.

فاتح شیخ - رئیس دفتر سیاسی
۱۶ فوریه ۲۰۰۵

قرار ۲۰۰۱
در راستای بند ۱۵ اصول

قرار ۲۰۰۲
اتحاد حزب به اعتبار خود یک هدف مهم و حیاتی است. تلاش برای متحد کردن و متحد نگاه داشتن، تلاش برای قانع کردن، و کوشش برای بهم بافتن اعضا و کادرهای حزب یکی از مهمترین و حیاتی ترین وظایف هر کادر، هر کمیته، دفتر سیاسی و لیدر حزب است.

قرار ۲۰۰۳
فصل مسائل سیاسی و تشکیلاتی در حزب جلسات رسمی و مکانیزمهای تعریف شده

حزبی است. پیشبرد این امر از کانال های غیر رسمی و در کربدورها مجاز نیست.

قرار ۲۰۰۴
در مورد رسیدگی به شکایات

به منظور تضمین فضای امن سیاسی و تشکیلاتی در حزب اصول زیر باید رعایت گردد: مخالفان سیاسی، هر قدر با لحن تند، تا وقتی سیاسی و علنی است، هیچ پاسخی تشکیلاتی نمیخواهد. هیچ کس حق ندارد در پوشش بحث سیاسی به کسی یا مرجعی در حزب افترا بزند.

نسبت دادن نقض اصول سیاسی و تشکیلاتی به هر کس یا هر ارگانی تنها از طریق شکایت یعنی تقاضای رسیدگی از فرد یا ارگان مافوق، مجاز است. شکایت از هر نهاد و یا مسئول حزبی حق هر کس، شاکی یا متهم، میتواند از ارگان مافوق تقاضای تجدید نظر و تضمین کند که به این شکایات منصفانه و بی طرفانه رسیدگی خواهد کرد.

در صورت ارائه شکایت کمیته رسیدگی کننده باید پس از شنیدن روایت طرفین و بررسی فاکتورها اسناد تصمیم در مورد شکایت تصمیم بگیرد. در طول مدت بررسی شکایت، کسی حق نشر اتهامات و یا تبلیغات درونی و بیرونی پیرامون مسئله را ندارد.

هیچ مقام، نهاد یا کمیته حزبی نمیتواند مرجع رسیدگی به شکایات از خود باشد. شکایت از هر فرد و یا کمیته ای باید به کمیته یا مسئول مافوق ارائه شود.

فردی که از او شکایت شده است، اگر عضو کمیته یا نهاد رسیدگی کننده به شکایت باشد، حق شرکت در جلسه تصمیم گیری در مورد این شکایت را ندارد.

هرکس، شاکی یا متهم، میتواند از ارگان مافوق تقاضای تجدید نظر و مرجع نهایی رسیدگی به شکایات در حزب کنگره است.

هیچ مقام حزبی مجاز نیست بدون رسیدگی شفاف و قابل مشاهده در مورد شکایت رسیده موضع بگیرد و شاکی را مورد انتقاد قرار دهد.

تغییر ساعت و روز برنامه تلویزیون پرتو

برنامه های پرتو روزهای چهارشنبه ساعت ۷.۳۰ تا ۸.۳۰ شب به وقت تهران (۵ تا ۶ بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی و ۸ تا ۹ صبح به وقت امریکای غربی) از شبکه کانال یک روی ماهواره تکه استار ۱۲ پخش میشود. این برنامه پنجشنبه ها ساعت ۷.۳۰ تا ۸.۳۰ صبح تهران مجدداً پخش میشود.

برنامه پرتو را روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:

<http://www.hekmatist.com/parto/>

حذف بند سه از "بیانیه حقوق جهانشمول انسان"

دفتر سیاسی حزب کمونیت کارگری - حکمتیست به قرار پیشنهادی کوروش مدرسی برای حذف بند سه "بیانیه حقوق جهانشمول انسان" رای داد.

رئیس دفتر سیاسی به سوال کمونیت درباره دلیل تصویب این قرار جواب داده است:

فاتح شیخ - "بیانیه حقوق جهانشمول انسان" را کوروش مدرسی برای ارائه به کنگره چهار حزب کمونیت کارگری ایران تدوین کرد. این سند که به اتفاق آرا به تصویب کنگره رسید، مهمترین محصول آن کنگره و در واقع آلترناتیو کمونیسیم معاصر در زمینه حقوق جهانشمول انسان به اعلامیه بورژوازی حقوق بشر است. در کنگره توسط جمعی از نمایندگان، بندی در مورد لغو مالکیت خصوصی بر وسائل کار و تولید، پیشنهاد شد و رای آورد. کوروش مدرسی اضافه

شدن این بند را لازم نمیدید و در مصاحبه نشریه انترناسیونال درباره این بیانیه هم اشاره کرد که با توجه به ممنوعیت استثمار و کار مزدی در بند دو، بند سه زائد است. در قرار اخیر خود به دفتر سیاسی، کوروش مدرسی با همین منطق، خواستار حذف بند سه بیانیه شده بود که دفتر سیاسی به اتفاق به آن رای داد.

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!